

عنقا:

چرا در این ۵ سال نتوانستید یک تعریف درست برای صوت و تصویر فراگیر فراهم کنید؟



گذشته از اینها هر دوی شما که سابقه حضور در تلویزیون و سینما را دارید در این سه‌ماه خواهی دوست دارید سازمان صداوسیما متولی باشد یا شبکه نمایش خانگی برسد به دست ارشاد؟

مولایی: من می‌گویم می‌تواند دست هر کسی باشد که یک منطق و ساز و کار درستی داشته باشد حالا چه ارشاد چه تلویزیون.

عنقا: به نظر من اهمیتی ندارد. مهم این است اگر تومی خواهی اعمال حاکمیت کنی باید بتوانی ابزار حاکمیت ات را هم درست اعمال کنی و البته توانش را هم داشته باشی که مهم‌ترین ابزار حاکمیت عقل نهادینه و شناخت حاکم است. من معتقد هستم که اگر مجلس فعلی به یک سال آخر آقای روحانی نمی‌خورد و زاویه ارشاد وقت با کمسیون فرهنگی این قدر زیاد نمی‌شد و ریاست سازمان وقت این میزان بار شاد دچار چالش نمی‌شد و موضوع از جایگاه اصلی اش تبدیل به رقابت سیاسی نمی‌گشت و این اتفاقاتی که در حوزه ساترا و اینها افتاد رخ نمی‌داد. زمانی که آقای سرفراز ریاست سازمان را برعهده داشت دستور عالی‌ترین مقام کشور با استناد به گزارش شورای عالی مجازی معلوم می‌شود که آقا مشخص کرده‌اند حق نظارت، مجوز و آن چیزی که مربوط به صوت و تصویر فراگیر است باید زیر نظر سازمان صداوسیما باشد و امضای ایشان هم پای این دستور هست و اصلا محل بحث ندارد. سؤال اما اینجاست که چرا بعد از گذشت ۵-۶ سال ناگهان می‌خواهید فرمان آقا را اجرایی کنید؟ چرا در این ۵ سال نتوانستید یک تعریف درست برای صوت و تصویر فراگیر فراهم کنید؟ چرا هیچ چرایی تعریف نشده و باید بر اساس یک تبصره در قانون بودجه حرف بزنیم. چرایی این سال هاتون و آیین نامه نوشته نشد یا اگر شده چرا انقدر آفته است و هیچ کس نمی‌داند باید چه کند؟

پس شما می‌گویید باید یک قدم عقب‌تر تعریف‌هایی وجود داشته باشد که نقشه متقن برای راه این مدیوم باشد.

عنقا: بله! امروز یک پروژه از ساترا مجوز می‌گیرد و بعد یک نامه از جای دیگر هم می‌گوید باید از من هم مجوز بگیرد و بعد از کجا معلوم بعد از این مجوز دوم باز جای دیگری سنگ جلوی اثر نیابند؟ پشت همین یک ورقه به عنوان مجوز که آقایان می‌دهند یا نمی‌دهند میلیاردها تومان سرمایه گذاری است. بعد می‌دانید چه اتفاقی می‌افتد؟ اتفاق این است که برای بدنه آن حرفه عدم ثبات اتفاق می‌افتد و بعد از آن هم هنرمند تصمیم می‌گیرد به جای اینکه با پول خودش کار تولید کند با پول یک نفر دیگر آن بسازد چون عقل تجاری به او این را می‌گوید. بعد چه اتفاقی می‌افتد میزان همبستگی با کار کم می‌شود و نتیجه‌اش می‌شود سریالی که هیچ کس حاضر نیست آن را کردن بگیرد و حتی وسط کار بخشش نیمه‌کاره می‌ماند. کارگردان می‌گوید این سریالی نیست که من ساخته‌م تهیه‌کننده سکوت می‌کند و سرمایه‌گذار هم میان‌پخش می‌گوید بخشش نکنید و منصرف می‌شود. اما همه این چرخه می‌توانست اتفاق نیفتد اگر از روز اول از ساز و کار مشخصی پیروی می‌شد و موقع مشکل هم می‌توانست برود با همان جای مشخص گفت و گو و مکالمه کند. بگذریم که این عدم امنیت در حاشیه‌اش زمینه‌ای هم برای ورود افراد در فرصت طلب و به قول شما پول‌های آلوده ایجاد می‌کند.

یعنی حتی اگر بدانید باز گشت پول یک پروژه چندین برابر است مشکلی ندارد؟

عنقا: این متفاوت است. اگر آقای مولایی بتواند کاری بسازد که یک میلیارد هزینه کند و ۱۰ میلیارد در بیاورد که باید تشویقش هم کرد. این همان چیزی است که در نهایت بازار را مقتدر می‌کند.

نه منظور بنده این است که چرخه یک جایی دارد از تعادل خارج می‌شود.

عنقا: حرف من این است. اگر یک سرمایه‌گذاری معقول در محدوده‌ی ریسک قابل پیش بینی انجام شود و محصولی که تولید می‌شود به جهت استقبال بازار چندین برابر سرمایه گذاری اولیه را بازگرداند عیب نیست بلکه خشن است.

ببینید کسانی مثل من می‌خواهند بدنند که این اعداد و دستمزدها در از کجا می‌آید و برای همین در دل این گفت‌وگو مایل بودم به این سمت هم برویم.

عنقا: این حرف دیگری است و امروز بواسطه برخی جودگی‌ها و نابخردی‌ها یا عدم شناخت‌ها شده است معضل بزرگ صنف. هر چند یادمان نرود اگر قرار باشد درباره چرایی به وجود آمدن این دستمزدهای نجومی بازیگران صحبت کنیم می‌رسیم به اینکه باعث‌وبانی و متهم ردیف اول اهدای دستمزدهای کلان خود سازمان صداوسیما در مقاطعی است. مادریم میوه‌ای را می‌چینیم که یک روزی در سازمان بذرش کاشته شد و هنوزم گاه‌گذاری از این اتفاقات رخ می‌دهد.

اگر از بحث مالی بگذریم می‌رسیم به این که هر دو نفر در فیلمنامه‌نویسی حرف‌های زیادی برای گفتن دارید. آقای مولایی شما در «میخواهم...» شکل نگارش تازه‌ای شبیه ساختار سازی روز جهان به کار گرفتید؟

مولایی: ببینید کمی عقب‌تر بگذارید بگویم که مادر حوزه فیلمنامه‌نویسی اطلاعات، کتب دانشگاه و منابع ترجمه شده‌ای داریم که یک ساز و کاری را معرفی می‌کند. در حالی که واقعیت این است که در حوزه سریال از سال ۱۹۰۵ تا الان نمایش‌چطور به تلویزیون آمد. اگر کسی این سیر را بداند و مرور کند می‌بیند که ساز و کار فیلمنامه‌نویسی در سینما کاملا با تلویزیون متفاوت است. در سال‌های خیلی قبل تر به تدریج برای کارهای تلویزیونی در جهان یک آدمی پیدا شد که اسمش را گذاشتند creatot که اهل تفکر و صاحب اندیشه بود و ما اسمش را گذاشتیم تهیه‌کننده اجرایی یا تهیه‌کننده که به نظر من غلط هم هست. این فرد مغز تولید فیلمنامه و اجرا و سریال بود. پس از آن دیگر آن نگره مؤلفی که مادر سینما آن را تعریف می‌کردیم اصلا معنی نداشت. ما الان ساختاری که در سریال‌سازی داریم، درست نیست و بخش خصوصی باید تلاش کند دانش به روز را به کار بگیرد. حالا آنها آمدند و در سریال‌هایی که تولید کردند شروع به آنالیز کردند تا ببینند چه چیز در سریال جواب می‌دهد و چه چیز جواب نمی‌دهد مثل پایلوت‌نویسی و پایلوت‌سازی و... بعد هم که تفلیکس آمد با یک سری دیتاهایی که جمع‌آوری کرده بود سلیقه مخاطب را به دست آورد و بعد با هوش مصنوعی توانستند از این دیتاها بفهمند مخاطب دقیقا چه چیزی می‌خواهد. این بخش یعنی بخش نگارش فیلمنامه سریال به شدت ساز و کارش با سینما متفاوت است و ما اینجا منابع اینکه روش و شیوه نگارش سریال به چه گونه است را کم داریم. من به دلیل علاقه‌ام به این بخش یک تیمی گذاشتم که این منابع را ترجمه کنند و برای استفاده شخصی خیلی به کارمان آمد. بعد فهمیدیم که نگاه ما خیلی در سریال‌نویسی با نگاه روز متفاوت است و چقدر در این حوزه عقب هستیم. مادر تلویزیون می‌گفتیم سریال بعد از دو سه قسمت مقدمه‌چینی موتورش روشن شود اما می‌بینیم که آنها برای قسمت اول اصلا ساز و کار بسیار متفاوتی را در نظر می‌گیرند. «می‌خواهم زنده بمانم» حاصل این اطلاعات جدید بود و پرده‌بندی و تیزر و پایلوت‌نویسی‌اش متفاوت بود و سعی کردیم ببینیم آیا می‌توانیم در اجرا آن را پیاده کنیم. اتفاق دیگری که انجام دادیم این است که استوری ادیتور داریم که فقط قصه را ادیت می‌کند و کاری به دیالوگ‌ها ندارد و همین‌طور شخصیت‌پردازی کاری به ادیت قصه ندارد. حاصل جمع این اطلاعات پلنتری می‌شود که بر اساس هوش مصنوعی کار می‌کند و من نویسنده چند دلار به آن پلنتری می‌دهم و باگ و اشکال آن را می‌گوید. در این حوزه کارگاه‌ها و دانشگاه‌های ما باید وسر و شکلی بگیرد که ما کمی حرفه‌ای‌تر پیش برویم.

آقای عنقا شما چقدر در حیطه فیلمنامه‌نویسی سعی کردید با دانش روز جهان پیش بروید؟

عنقا: البته امروز منابع جست‌گریخته‌ای درباره سریال‌نویسی در جهان داریم و